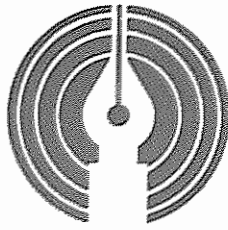


زنگنه

سال اول ● بهمن ماه ● بها ۵۰ تومان





منتشر شده است:

تاریخ ایوبیان

(قیمت: ۲۲۰ تومان)

در این کتاب با برخی از زنان نامدار دوره عباسی و خاتونهای قرون ششم و هفتم و نمونه‌هایی از خیرات و مبرات و خدمات اجتماعی آنها آشنا می‌شوید.

انفارکتوس (سکته قلبی)

(شمیز: ۱۳۰۰ ریال؛ زرکوب: ۲۰۰۰ ریال)

کتابی که مقوله ایهام‌آلود انفارکتوس را تشریح می‌کند و برای شفا یافتگان از این بیماری توصیه‌هایی درباره چگونگی زندگی روزمره عرضه می‌دارد.

و... سه کتاب مناسب از مجموعه چه می‌دانم

بیماریهای زنان

قیمت ۵۵۰ ریال

اعتماد و شخصیت

قیمت ۴۷۰ ریال

پیر روان‌شناسی

قیمت ۴۲۰ ریال

دنیس سرسیسرون/پرچهره ریاحی

زان بر زره/توفان گرگانی

ایون کاستلان/شهرنوش پاریسی‌پور

خواستاران این کتابها در شهرستانها می‌توانند بهای کتابها را به حساب ۴۹۶/۱۱ بانک مرکزی واریز کنند (از همه شعب بانکهای ملی می‌توان به این حساب حواله کرد). و اصل فیش بانکی را همراه با فرم تکمیل شده زیر به نشانی دفتر مرکزی شرکت ارسال دارند تا کتاب با پست سفارشی برای آنها فرستاده شود (هزینه بسته‌بندی و ارسال کتاب به همه شهرستانها بر عهده شرکت است).

انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
(شرکت سهامی)



دفتر مرکزی و فروشگاه شماره ۱، تهران، خیابان افریقا، چهارراه شهید حقانی،

(جهان‌کودک)، کد پستی ۱۵۱۸۷، تلفن: ۷۰-۶۸۴۵۶۷

فروشگاه شماره ۲، خیابان انقلاب، جنب دبیرخانه دانشگاه تهران

اینجانب: نشانی:
کدپستی: تلفن:
به مبلغ: ریال، درخواست
میتوانم نسبت به ارسال کتاب اقدام فرمایم.

زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یک بار در ماه منتشر می‌شود

سرخوان
گزارش و خبر

۲ چشمه آگاهی اگر بجوشد : مدیر مسئول

۴ اشتغال و بیکاری زنان از دیدگاه توسعه: میترا باقریان

۱۲ خبر :

اندیشه

۱۸ چرا خاور میانه، چرا زن: دکتر سهیلا شهشهانی

۲۲ زنان، مد و لوازم آرایش : اولین رید، ترجمه زهره زاهدی

ادبیات

۱۴ روشنائی: فروغ حمیدیان

۲۱ و ۳۰ شعر:

۲۶ شعر خوب، شعر متعالی: لارنس پرین، ترجمه فاطمه راکمی

۲۸ آگهی «گمشده»: پرویز خرسند

در خانه

۳۱ نقدی بر «جنس دوم»: الیزابت فالیز، ترجمه ماهرخ دبیری

۳۳ دکوراسیون چیست؟: مهندس فرشته بهار

۳۴ مصونیت یا مسمومیت؟: سمیرا صباح

۳۶ آشپزی، تمایل یا وظیفه؟: ترجمه حورا اخلاقی

۳۸ زندگی با زیبایی: ژینوس قائمی

علم

۴۲ قاطع، نه مهاجم: لین. ز. بلوم، ژوان پرلمن، کارن کوبورن، ترجمه زهره زاهدی

۴۹ آی. یو. دی چیست و چه می‌کند؟: فرزانه خردمند

۵۲ تناسب اندام، نگاه بهتر، احساس بهتر: ترجمه ژینوس قائمی

۵۴ شب‌اداری: سیمین رونقی

حقوق

۵۸ تمکین: شکوفه شکری، ساهره لبریز

هنر

۶۴ صدهزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست: فرح طاهری

۷۲ رویش احساس در دستهایی نه چندان توانا: فرح سیدابوالقاسم

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: شهلا شرکت

طراح گرافیک: کورش پارساژاد

طرحهای این شماره: باسم الرسام

طراحی نشانه مجله: کامران مهرزاده

لیتوگرافی: موج

چاپ: سازمان ۱۲۸

صندوق پستی ۵۵۶۲ - ۱۵۸۷۵

تلفن: ۸۳۳۵۱۳

License Holder & Editorial Director:
Shahla Sherkat

Zanaan is a Persian-language
journal published monthly.

Each issue contains articles and
reports related to the women's
problems.

زنان در زمینه فعالیت‌های فرهنگی، هنری، آموزشی و خدماتی آگاهی می‌پذیرد.

زنان در ویرایش و کونا کردن مطالب آزاد است.

مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.

حقوق چاپ، انتشار و نقل مطالب، طرحها و عکسها برای مجله زنان محفوظ است.

نیمه سال ۶۱ بود. دعوت دوستی، توسط قاصد رسید. یک نشست و ساعتی گفت و شنود و آغاز یک دهه متلاطم لبریز از شوق و درد و خروش در مجله «زن روز» نمی گویم و نمی باید هم که آن نشریه در آغاز کار چه بود و در پایان کار ما، که مشک باید خود ببوید. کوتاه اینکه، در طول آن دهه، تلاشمان برای شکستن سنتهای جاهلی بود و افروختن شعله در دالانهای تاریک رکود و جمود. سردی عافیت جویان از شوقمان نکاست و از بی دردی زمانه، دردمان فرو نشست. تقدیر بر این نبود که با تهدیدها و تطمیعها، خروش ما به تسلیم و فرومایگی میل کند و استقلال امروز، میوه شیرین آن روزهاست.

اینک عزم ادامه راه داریم با کوله باری از تجربه به میزان یک دهه ستیز با خرافات و کژاندیشی و ستم سده ها و ادعا به خردی یک دست که به تنهایی بی صداست و آرزو به بلندای کمال. در این آغاز دیگر نیز تکیه نداریم جز بر او که نامش بهترین سرآغاز است و با این کیمیا، راهی مسیری می شویم که از مکر کلوخ اندازان ایمنش نمی بینیم. تنها نباشیم اما، از خطر نمی هراسیم. پس، از همه یاران، یآوری می خواهیم و صمیمانه به هم نوازی شان، در آهنگ این راه تازه می خوانیم و با آنان پیمان بیداری می بندیم. برای انگیزش این بیداری، گزیری نیست که به پیشینه پندارهای جامعه در عمق تاریخ باز گردیم، به سرچشمه تبعیضهای دردناک میان دو جنسیت و به عوامل تثبیت آنچه که در ناخودآگاه ذهن جامعه ما لانه کرده و نه دینی است، نه انسانی. این، البته عمری می خواهد به طول سالهایی که این کژاندیشیها رواج و سازمان یافته است و ما بی شک چنین دیر نمی بایم، ولی چشمه آگاهی اگر صخره جهل را شکست، جوششی است پایدار!

در دنیای ما، زن را از دامان آفرینش، پکراست به صحنه های ساختگی می کشانند. یک قهرمان اصلی - با حقانیت و اقتدار و کمال - و شخصیت دوم که از روز آغازین به سبب نادانی، سیب سرخ گناه را خورده است، پس تا دنیا باقی و زندگی جاری است، باید تاوان نقصان عقل خود را با بهایی سنگین پردازد؛ و بدینگونه شایعه خلقت زن را پرداختند و موجودی ساختند با نقشی جنبی که امکان آفرینش او وابسته به وجود دیگری است. با چنین مقدمه ای، شگفت نیست که این مهجور صغیر، قادر به انتخاب نباشد و تعیین احکام و حدود و نقش او به دست دیگران صورت پذیرد و راه رشدش در حوزه تشخیص آنان ترسیم شود؛ یا با ریسمان پوسیده سنتهای خرافی او را زندانی زنانگی خویش کنند تا راز بزرگ محبوبیتش از پرده بیرون نیفتد یا با وعده فریبنده آزادی رشته های رنگین به گردش بیاورند و به هر جا که خاطر خواهشان است، بکشانند و البته این هر دو، پرچم خیراندیشی و مصلحت نگری برای زن در دست!

بدین سان زن امروز، در برزخ دو سراب ایستاده است، در حالیکه امکان انتخاب و قدرت استقلال ندارد؛ به دره هولناک خرافات و مظلومیت و جهالت درغلند؟ یا به باتلاق عفن خودنمایی و بردگی و روزمرگی؟ الگوهایی هم که به او ارائه می شود، تصویری تاریک و روشن است که با بیدردی از دل تاریخ بیرون کشیده اند. برگهای تاریخ در باره زیستن و چگونه زیستن آنان حکایت چندانی در

دست ندارند و این خود نشان از مظلومیت و گمنامی الگوها دارد. با این وصف چگونه می توان به حدس و گمان دریافت که آنان در این زمان، اگر بودند، در هر زمینه ای چه می کردند؟! با اینهمه شرایط پذیرش الگوها نیز فراهم نیست. گفتارها را سازی برمی آید و رفتارها را نغمه ای دیگر. از این رو در ظلمات راه، خطر گمراهی در کمین آنهایی است که بی چراغی در دست پیش می روند، یا با شمع می که هر ورزشی شعله اش را تهدید می کند.

زن مهجور، زن صغیر و موجود چشم بسته و مهارخورده ای که در مسیری خط کشی شده درجا می زند، نه توان به دست گرفتن سررشته تدبیر را دارد، و نه مرکز عشق و رشد و آرامش است و سکوت و سازشی که بر پایه جهل حاکم باشد، آتشی است زیر خاکستر که هر لحظه در اشتیاق شعله ور شدن است.

تجربه های ما به تکرار می گویند آگاهی مشعلی است که زن امروز می تواند با آن، به کوره راههای مجهول سرنوشت خویش گام نهد، بی آنکه از گودالهای سر راه اندیشناک شود و بی شک آگاهی زن، آگاهی جامعه است، اما امکان دستیابی به این مشعل، بدون وجود - نه تفویض - آزادی ممکن نیست. اولین رکن آزادی، داشتن استقلال و حق انتخاب است و البته پنهان نیست که استقلال در گرو دارایی دانش و رشد است.

ما، در کاستیها و کژیها به خود زنان نیز سهمی می دهیم، اما سهم حوزه های دینی و قضایی و سهم حکومتها را نیز اندک نمی انگاریم، چنانکه دیدگاهها، شرایط و عملکردها برای زنان، همان بود که برای مردان، اینک آنان در کجا ایستاده بودند؟ اگر در سبب شناسی عقب ماندگی و رسوب و فترت زن، به هر یک از این عوامل، سهم عادلانه ای بدهیم، یافته ها گسترده تر، نگاهها ژرفتر و داورها به حقیقت نزدیکتر خواهد بود و چاره ها کارسازتر.

به اعتقاد ما کلید حل مشکلات زن در چهار حوزه نهفته است: دین، فرهنگ، قانون و آموزش. که اگر راهها در این چهار زمینه اصلی هموار شود، می توان به ارتقاء زن و اعتلای جامعه امید بست. برای پرهیز از درازی کلام، گذری کوتاه داریم بر این چهار حوزه:

۱ - دین: همه بحث و استدلال امروزه دلسوختگان برای احیای اندیشه دینی، از یک سو و هیاهوی سهل انگاران زمان و تحولات آن از سوی دیگر نشان از آن دارد که تفکر دینی ما از دست اندازی دشمنان دانا و دوستان ناآگاه در طول قرون مصون نمانده است و اگر روزی اهل دین - آنها که خوف گسترش بی دینی مردم را در دنیای پرشتاب کنونی دارند - در این گستره به مسائل زنان عمیق شوند، پی خواهند برد که استعمارگران کهنه کار از ناحیه پادشاهان و آخوندهای درباری، و پادشاهان از طریق حرمسراها و اندرونها چه بر سر زن و دین او آورده اند. از قواعد رعایت حجاب زن، که امروز از هدف اصلی دور شده تا سایر احکام زنانه - که برای عبادتی ساده با خدای خود، ابتدا باید آزمون حل معادله های نامتعادل پیچیده را بگذرانند - چنان به تکنیک و قالب گرفتار آمده که محتوا و معنا را از یاد برده اند. پوست در پوستی که مغزی از آن نمانده و این هیچ نبوده، جز آنکه می خواسته اند به اسم دین - که مردم آن را از



با داشتیم شماره نخستین «زنان» را در سالگشت میلاد زهرای پاک (روز زن) انتشار دهیم، اما مشکلات، بنای ما را برهم زد و اولین شماره در بهمن ماه ۷۰ انتشار می‌یابد. تقارن این سرآغاز، با سالروز پیروزی انقلاب اسلامی نیز - که به خون مردم این سرزمین سرشته است و آن را با آرزوهای بلند به کف آورده‌اند - فالی است نیک. جساتها و شجاعتهایی که برای این پیروزی در برابر استبداد و ظلم و خفقان به کار رفت، یاد باد و سالروز آن پیروزی مبارک.

امروزه، کافی و اصولی نیست و در غیبت و خلاء قانون، اتفاقات دهشتناکی رخ می‌دهد که در نوع خود پدیده‌ای تازه است. بیشتر در باره ضرورت ضمانت اجرای قوانین نمی‌گوییم که حتی قانون جامع و معقول هم بدون ضامن اجرایی، مکتوبی است بی‌خاصیت و کالبدی بی‌روح! در آینده، ما به مرور به نمونه‌هایی از تضییع حقوق زن در خانواده و جامعه خواهیم پرداخت تا ادعایمان بی‌گواه نباشد.

۴ - آموزش: آموزش، یکی از زمینه‌های زیربنایی تقویت آگاهی در فرد است و در شرایطی که در حدود نیمی از زنان ما بیسوادند، بی‌توجهی به آموزش زنان به عنوان محور اصلی تعلیم و تربیت در خانواده، تأثیر تلخ خود را به سرعت بر کل جامعه آشکار خواهد کرد. آموزش در زمینه‌های گوناگون و سطوح مختلف و به دنبال آن اشتغال در یک رشته تخصصی سبب می‌شود که زن خود را بیابد و احساس داشتن هویت مستقل و کارایی و تأثیر را تجربه کند و این حس می‌تواند او را از ورود به مجراهای انحرافی زندگی بازدارد.

از سوی دیگر هیچ کشوری در دوران سازندگی نمی‌تواند نیمی از نیروی انسانی جامعه‌اش را در حاشیه و خارج از دایره اشتغال نگاه دارد، چرا که نیازهای توسعه با نیم دیگر جمعیت تأمین نخواهد شد.

در کشور ما که اراده‌های شخصی در بیشتر مدیرتها نیازهای نیروی انسانی بازار کار را تعیین می‌کند - همانگونه که در مجله این شماره آمده است - زنان در شرایطی می‌توانند از فرصت‌های شغلی برابر با مردان استفاده کنند که دارای تحصیلات بالاتری باشند و از آنجا که در بسیاری از رشته‌ها زنان امکان برخورداری از آموزش عالی را ندارند، زمینه‌های اشتغال فراوانی را از دست می‌دهند.

بنابراین بدون تجدیدنظر اساسی در حذف محدودیت زنان در ورود به بیش از نیمی رشته‌های دانشگاهی، مسئله خلاء آموزش برای زنان و پی‌آمدهای ناگوار آن همچنان پابرجا خواهد بود.

درسهای عبرت‌آموزی که ما در مدت ده سال کار مطبوعاتی خود در دوره‌ای طوفانی و پرماجرا از دوران تاریخ ایران آموختیم و آشنایی با آن دردها که در جان زن مسلمان ایرانی بود و آن حماسه‌ها که او آفرید و آن تلاشها و پیکارهایی که برای صعود از خود نمایاند، مجال و رخصت درنگ باقی نمی‌گذارد. پس در حد پیکر کوچک خود، خاروخاشاک از راه برمی‌گیریم تا با کمک ارباب اندیشه و عشق‌زمینه برای اعتلای زنان در همه شئون فراهم آید و در این حال، میل نیاز و انتظار ما بخصوص به سمت زنان متفکر، متخصص و مسئولی است که همچون نهالی سبز، از شوره‌زار شرایط رشد زن برآمده و طوفانها را از سر گذرانده‌اند. همچنین مردان فکر و قلم که سلامت نفس و دردمندی، با مشکلات زنان آشتی و آشنایی‌شان داده، به همدلی و همحسی و ابراز نظر در جمع ما دعوت دارند. بدانند ایشان می‌توانند سپرها را زمین بگذارند. ما برای ستیز با مردان نیامده‌ایم، گرچه اهل پرهیز هم نیستیم، اما منطبق داریم و با اهل نظر دوستی و مزوت. مرحله‌ای است پرخطر و بی‌همراهی یاران، از زن و مرد امکان پروازی بلند نخواهیم داشت، اما قلب گرم «زنان» با امید یاری‌شان می‌تپد، پس آغاز می‌کنیم ●

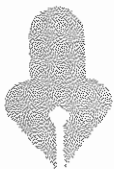
مدیر مسئول

سرایمان قلبی، بی‌چون و چرا می‌پذیرفته‌اند - زنان را به عنوان نیمی از نیروی انسانی جامعه در پستوی خانه‌ها دفن کنند و به آنها بیاوراند که زن فقط ابزار تولیدمثل و ارضای غرور مردانه است. دانش نمی‌خواهد، آگاهی نمی‌خواهد، مشارکت اجتماعی بر او حرام است و همه اینها هم فرمان دین است! از این روست که وقتی بی‌باوران و مخالفان دین می‌گویند حجاب و اجرای احکام دین مانع رشد زن است، سرگشتگان به آسانی تسلیم می‌شوند.

وقت آن است که عالمان و متفکران دلسوز دین در کندوکاو خود در فقه و احکام آن، قدری جدیتر به اجتهاد در مسائل زنان بیندیشند تا شاید قرنها پس از نزول اسلام، زنان مسلمان را از سرگردانی و آشفتگی و چندگونگی در یافتن مکتب خود و گاه، حتی خدای خود را رهایی بخشند و از رخسار مهربان و معقول و پیشرو مذهب پرده بردارند و در جان خسته زنان عشق را به جای اجبار، احترام را به جای ترس، عبادت را به جای ریا و آرامش را به جای اضطراب بنشانند.

۲ - فرهنگ: اینک که در سرزمین ما، همه دغدغه‌ها از توسعه‌نیافتگی است، باید گفت در وادی فرهنگ، آنچه توسعه‌نیافته، موضوع زن و مسائل اوست و در بحث توسعه آنچه فراموش شده، فرهنگ است و در این حال، بسیاری از مشکلات زن در جامعه ما به عرصه فرهنگ باز می‌گردد. اگر چه در نگرش جامعه‌شناختی به مسئله، نمی‌توان دین و فرهنگ را از آمیزش بازداشت و اگر ابرها را از چهره خورشید بپراکنیم، پرتو نورانی آن همه تیرگیها را به روشنی خواهد نشانند. در بخش فرهنگ، ما، در دیدگاهها مشکل داریم. اینکه به زن همچون جنس دوم و موضوع جنبی نگاه می‌شود، اینکه هنوز شرم دارند او را به نام خودش بخوانند و به اضافه شوهر، شخصیت حقوقی و حتی حقیقی دارد و به اعتبار فرزند حرمت می‌یابد و دهها درد دیگر که جملگی ریشه در نگرش فرهنگی جامعه دارد و طالب درمانی اساسی است. ما کار در این حیطه را در ردیف وظایف خود می‌شماریم و اعتقاد داریم که کار فرهنگی باید دامنه‌ای به وسعت منطقه ما داشته باشد، اما در این پهنه، کار ما پر کاهی است در مصاف تندباد. ما خوب می‌دانیم که این سخنها در منطقه‌ای از جهان که تلقی عمده‌اش از زن جز زایش و پرورش و فریبایی نیست، طنین دلنشینی ندارد و بدعتی است سخت برای مرد شرقی، اما امیدواریم از بذری که می‌پاشیم، جوانه‌هایی سبز شود، و می‌شود اگر بتوانیم با زنان منطقه نیز سلامی و سخنی داشته باشیم.

۳ - قانون: در دنیای پرتنش امروز که استعداد بالقوه هرج و مرج در آن بسیار بالاست، سخن بی‌عمل در باره نظم و اظهار تمایل به سامان‌یافتن مشکلات، کاری است عبث که مردم را دچار یأس و عصیان می‌کند. مادام که قانون برای تعیین چهارچوبها قدرت استقرار و تضمین اجرا نداشته باشد، زر و زور جای آن را پر می‌کنند و آنگاه چه احساسی خطرناکتر و مخربتر از احساس بی‌عدالتی در جامعه است؟ در زمینه مشکلات زنان، ما به ضعف قانون و اجرای آن دچاریم. باز باید یادآور شویم که بخشی از قانون، از تفسیر مکتب گرفته‌شده، آن هم بر اساس برداشتهایی که عوامل و عناصر زمان و مکان در آن کمتر مورد نظر بوده است. این قوانین برای زندگی



یکی از شاخصهای نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اقتصادی، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنها در ساختارهای اقتصادی است. ضرورت و الزام اقتصادی - اجتماعی مشارکت زنان در برنامه‌های توسعه همواره در تاریخ پیشرفت جوامع بشری مطرح بوده است، لیکن هنوز در جوامع عقب مانده و یا در حال توسعه، از جمله ایران، تعادل مطلوب و قابل قبول در امر مشارکت عادلانه زنان و مردان در فعالیتهای اقتصادی و استفاده منصفانه از فرصتهای مشارکت و بروز خلاقیت و استعداد برقرار نشده است.^۱ روند منفی توسعه در سالهای اخیر، حذف و محدود کردن مشارکت اقتصادی زنان را به همراه داشته است. چنانچه یکی از اساسی‌ترین علل افزایش بار تکفل و شکاف هزینه درآمد خانواده‌ها در سالهای اخیر، دور بودن زنان از فعالیتهای اقتصادی تلقی می‌شود. زیرا از هر ۱۰۰ زن ده ساله و بالاتر، ۹۵ زن هیچگونه درآمدی ندارند و به تبع آن دارای استقلال اقتصادی نیستند. از میزان اشتغال زنان طی سالهای ۶۵ - ۵۵ به طور متوسط همه ساله ۲ درصد کاسته شده است و تعداد زنان شاغل را از ۱۲۰۰ ۰۰۰ نفر به ۹۷۵ هزار نفر رسانده است.^۲ میزان اشتغال زنان متأثر از کلیه متغیرهایی است که در میزان اشتغال عمومی موثر است و در این میان عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقشی تعیین کننده در حجم و کیفیت نیروی کار زنان ایفا می‌کنند.

زنان در اقتصاد شهری و روستایی در اقتصاد معیشتی روستا که تولید متکی بر کشاورزی است، تقسیم کار براساس تعلقهای گروهی انجام می‌شود. در این چنین نظامی، تمامی افراد دارای قابلیت کار فعال هستند و تخصص و جنسیت به عنوان یک ضرورت برای احراز مشاغل مطرح نیست. در روستاها تقسیم کار از یک الگوی متجانس برخوردار است و افراد خانواده هر کدام به نحوی در تأمین درآمد خانوار سهم هستند. در این تقسیم‌بندی و در مقیاس تولید کشاورزی و صنایع دستی روستایی، زنان غالباً در چارچوب فعالیتهای اقتصادی خانواده کار می‌کنند و ارزش کار آنها در مجموع درآمد خانوار منظور می‌شود. این فعالیتهای که بیشتر به عنوان «مکمل درآمد» شناخته می‌شود، بسیاری از خانواده‌های روستایی را قادر ساخته است که از این طریق تعدیلی در تأمین نیازمندیهای خود در چارچوب اقتصاد معیشتی به وجود آورده و بدین ترتیب خود را از شرایط فقر مطلق دور سازند. کار زنان در چنین شرایطی از تداوم

اشتغال و بیکاری زنان از دیدگاه توسعه

میترا باقریان

این مقاله، بر اساس پژوهشی با عنوان «بررسی ویژگیهای اشتغال زنان در ایران» که توسط نویسنده در سال ۱۳۶۹ انجام گرفته، نوشته شده است.

عکس: لاله شرکت



و استقلال برخوردار نیست و بیشتر جنبه تبعی از کار همسر و پدر و شکل کمک به خانواده را دارد. شاخص اشتغال زنان روستایی به طور متوسط در هر سال ۵ درصد کاهش نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد عدم تمایز ما بین نقش اقتصادی زنان به عنوان کارکن خانوادگی بدون مزد، نقش غیر مستقیم آنها در تولید و اقتصاد پولی به ویژه در بخش غیر متشکل شهری و یا گسترش مهاجرتها، علت اصلی این مسئله باشد.

در فرایند توسعه و در تغییر نظام اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی، فرصتهای اشتغال تازه‌ای برای زنان پدید می‌آید و نقش زنان در اقتصاد پولی مطرح می‌شود. در این

خانواده است که در اقتصاد بسته و غیرپولی روستایی صورت بسیار محدودی دارد، ولی ضرورتهای بازار کار در مناطق شهری ایجاب می‌کند که زن در محیطی غیر از خانه فعالیتهای اقتصادی داشته باشد و البته پرداختهای پولی به زن و استقلال ناشی از آن و اتکای خانواده به درآمد زن، هنوز در بسیاری از اقشار جامعه به صورت هنجار در نیامده است.

عوامل مؤثر بر اشتغال زنان

مهمترین عواملی که بر میزان اشتغال عمومی تاثیر می‌گذارند، ساختار سنی، روش مهاجرت، نرخ باروری، میزان رشد جمعیت

بسیاری از فعالیتهای و سرمایه‌گذاریهای کشور را به صورت موجی بزرگ به سوی پیشبرد اهداف دفاعی سوق داد. موجی که حیطه‌ای برای مشارکت «اقتصادی» زنان باقی نمی‌گذاشت. به شرایط عمومی اقتصاد کشور، بایستی شرایط اجتماعی و فرهنگی را اضافه کرد. به دلیل مسئولیت تأمین هزینه‌های خانوار که براساس عرف، سنت و هنجارهای اجتماعی به عهده مردان گذاشته شده و به دلیل بیکاری فزاینده‌ای که در سالهای اخیر به دلیل ساختار ناسالم اقتصادی داشته‌ایم، حیطه وسیعی از مشاغل در انحصار مردان قرار داشته و کوششها در جهت ایجاد نوعی اولویت در به کارگیری و

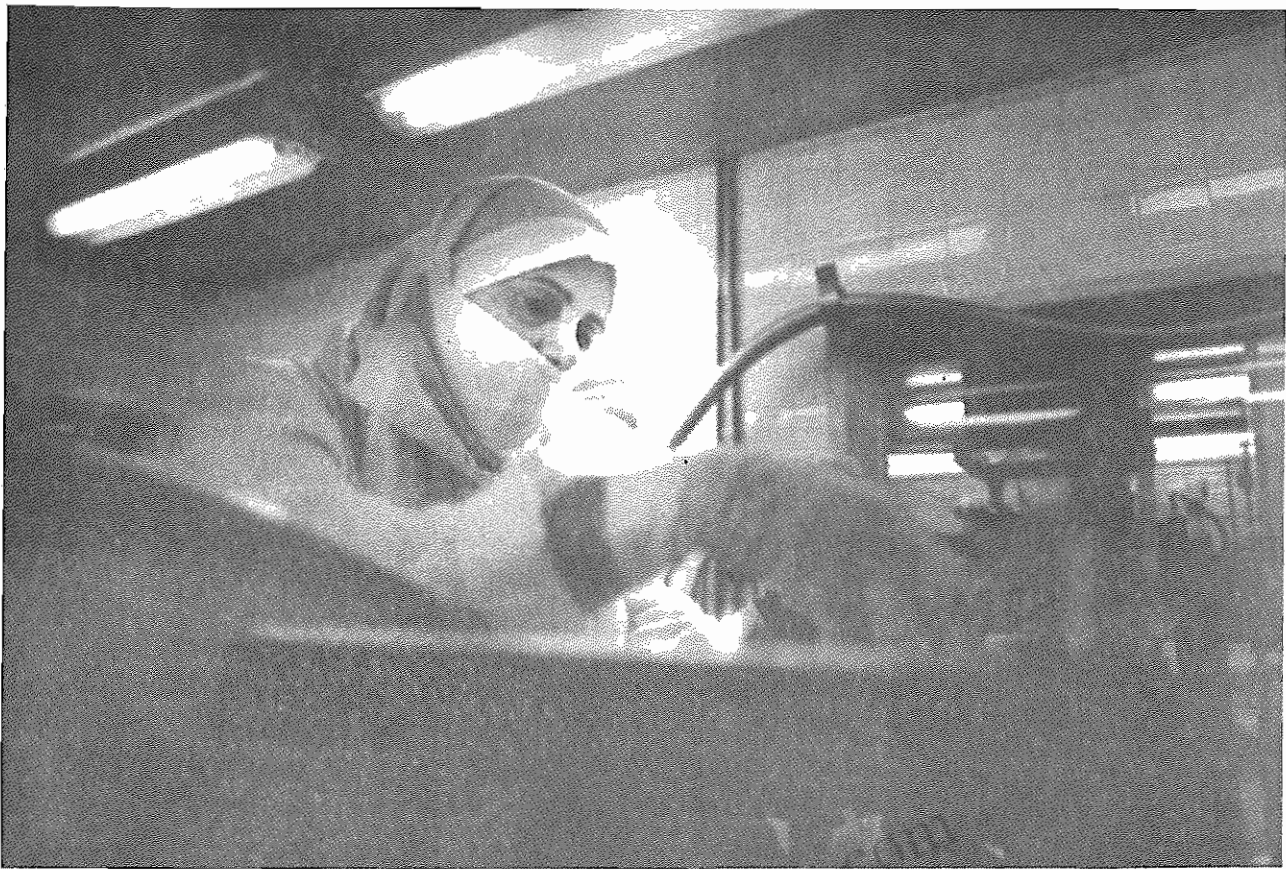


نظام، مشاغلی به زنان عرضه می‌شود که با وظایف قبلی آنها تفاوت‌های اساسی دارد. از جمله اینکه این مشاغل بایستی در خارج از خانه و در محیط کار انجام گیرد و ارزش کار زن، که در اقتصاد معیشتی به صورت کارکن فامیلی بدون مزد بود، به پول پرداخت می‌گردد و به عنوان دستمزد یا حقوق و در مواردی سود سرمایه به او پرداخت می‌شود. اما این تغییرات با تفاوتها و ناسازگاریهایی روبرو می‌شود که طبیعتاً در شکل و وظایف خانواده نیز تاثیر می‌گذارد. بیشترین مقاومتها و ناسازگارها در مورد اشتغال زنان در بخش نوین اقتصاد شهری مشاهده می‌شود و علت آن هم مسئله دور بودن زن از محیط خانه و

و میزان عرضه نیروی کار است، لیکن عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تاثیری به مراتب قویتر از عوامل جمعیتی بر اشتغال زنان دارد. رکود اقتصادی سالهای انقلاب و جنگ، تغییراتی را در کل سیستم اقتصادی کشور به وجود آورد و منجر به دگرگونیهایی در بازار کار شد. این تغییرات و نیز رکود اقتصادی، امکان تولیدات صنعتی و اشتغال مولد را با محدودیت روبرو ساخت و به تبع آن اشتغال زنان نیز در این مجموعه دچار تغییرات کمی و کیفی شد. برخی از تحمیلیهایی که بر اثر جنگ بر اقتصاد کشور وارد آمد، اجتناب‌ناپذیر بود. شرایط دوران جنگ،

ابقای مردان در مشاغل گوناگون بوده است. کارکردهای بازار و شیوه‌های تولید، نقش انکارناپذیری در این اولویت بندی ایفا می‌کنند که به آن باید تاکید و تبیینی را که در سالهای اخیر بر نقشهای «غیر اقتصادی» زنان شده و منجر به تقویت میناهای فرهنگی و عدم سهولت دستیابی به شغل شده، اضافه کرد. بحث بر سر میناهای فرهنگی، به منظور ارزش‌گذاری نیست و صرفاً تبیین واقعیات موجود مدنظر است. تاکید بر ویژگیهای نقشهای غیراقتصادی زنان، همراه با اجتناب بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری در کارهای اشتغال‌زا، فشار را بر بخش عمومی در جایی که ضرورتها پیش می‌آید، بیشتر کرده است.





آنان را در موقعیت آزمون و اثبات شایستگی قرار می‌دهد، که این مسئله در بخش خصوصی صورت بسیار حادث‌تری پیدا می‌کند.

بیکاری

بیکاری که در سالهای اخیر به صورت یک معضل چهره نمایانده است، برای مردان به دلیل آنکه براساس عرف و هنجارهای اجتماعی، قبول مسئولیتهای اداره خانوار برعهده‌شان قرار گرفته، صورت حادث‌تری داشته است، اما در مورد زنان، فقط برای زنان تحصیلکرده و زنانی که مجبور به تامین معاش خانواده و یا کمک به آن بوده‌اند، مطرح بوده است.

عدم انطباق سطوح و رشته‌های تحصیلی زنان جوای کار با نیازهای بازار کار، آنها را از دستیابی به اشتغال مورد نظر باز می‌دارد. در شرایط فعلی اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بویژه در رشته‌های علوم انسانی در مشاغل غیر دبیری بسیار مشکل و حتی غیرممکن است. به این افراد باید زنانی را اضافه کرد که بدون هیچ گونه مهارت و تخصصی خواهان ورود به بازار کار به جهت تامین نیازمندیهای اولیه زندگی خود هستند؛ ولی در جایی که ضرورتها پیش می‌آید و الزام به کارکردن مطرح است، جهت جلوگیری از گسترش مفاسد اجتماعی

است. اشتغال روستایی در مقیاس وسیعی کاهش پیدا کرده است.

نگاهی سریع به توزیع اشتغال زنان در رشته‌های گوناگون فعالیت روشن می‌کند که:

- تعداد زیادی از زنان در مشاغل ساده و غیرتخصصی بخصوص کشاورزی مشغول کارند.

- سهم زنان در بخشهای نوین اقتصادی به مشاغل سنتی و خدماتی از قبیل معلمی، پرستاری، بهیاری و کارمندی سازمانهای دولتی منحصر شده است.

- تعداد زنانی که در رشته‌های مولد و فنی و حرفه‌ای فعالیت دارند، به نسبت مردان بسیار ناچیز است.

- سهم اشتغال زنان در مشاغل گروه صنعت کاهش چشمگیری داشته است.

- حضور زنان در مشاغل و مدیریتهای سطح بالا و مراجع تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری اندک است.

براساس آخرین سرشماری انجام شده نزدیک به نیمی از کل زنان شاغل شهری (۴۴/۴ درصد) معلم و در مشاغل آموزشی فعال هستند و ۹ درصد آنها پرستار و بهیار هستند و بقیه زنان در سایر مشاغل توزیع بسیار پراکنده دارند، و این در حالی است که لیاقت و کارایی به عنوان یک الزام شغلی و به عنوان یک قید برای زنان، همواره

این تاکیدات منجر به ساختاری‌شغلی برای زنان شده است که محدوده آن از دو یا سه فراتر نمی‌رود، و آن مشاغلی است که عمدتاً در شکل ادامه نقشهای سنتی زنان از خانه به اجتماع تحقق می‌یابد.

مشاغلی که قسمت اعظم آن در بخش عمومی و به صورت ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی - درمانی تکوین یافته است. هرچند که در عقب‌مانده‌ترین جوامع نیز توجه به بهبود آموزش و پرورش و بهداشت عمومی جزو اهداف اصلی دولت محسوب می‌شود و حصول به آن از اساسی‌ترین شاخصهای توسعه تلقی می‌شود، ولی محدود شدن امکانات اشتغال زنان به این مشاغل با دو هدف عدالت اجتماعی، و استفاده بهینه از نیروهای کارا و لایق همسو نیست.

تغییرات ساختار اشتغال زنان

براساس آمارهای موجود، تغییرات کلی ساختار اشتغال زنان در بخشها و مناطق اقتصادی به ترتیب زیر بوده است:

- اشتغال در بخش عمومی، بویژه در مستخدمین مشمول قانون استخدام کشوری و اشتغال در پستهای آموزشی، فرهنگی و بهداشتی - درمانی افزایش پیدا کرده است.
- اشتغال در بخش خصوصی به شدت کاهش پیدا کرده است.
- اشتغال شهری اندکی افزایش پیدا کرده



و اخلاقی بایستی جامعه این پذیرش را داشته باشد که زن نیز می‌تواند کار کند. می‌خواهد (و یا مجبور است) که کار کند؛ می‌باید کار کند و بایستی ابزارهای دقیق و اصولی و شرایط مناسب برای استفاده از نیروی کار او به وجود آورده شود. از سوی دیگر و به غیر از منافع فردی، در مقیاس کلان و از دید منافع کلی اجتماع، نیروهای توانمند و بالنده‌ای از زنان وجود دارند که به دلایل متعدد از بدنه شغلی دورمانده‌اند؛ نادیده گرفتن این نیروها به هیچ عنوان اقتصادی نیست و در شمار ائتلاف سرمایه‌های بالنده و سرمایه‌گذارهای انجام شده به حساب می‌آید و در درازمدت ضربات جبران‌ناپذیری به روند توسعه کشور وارد خواهد کرد.

نرخ بیکاری زنان جویای کار از ۱۶/۳ درصد در سال ۵۵ به ۲۵/۶ درصد در سال ۶۵ افزایش یافته است. یعنی در سال ۵۵ از هر ۶ زن جویای کار یک نفر بیکار بوده است و در سال ۶۵ از هر ۴ زن، روشن است در جایی که اکثریت زنان، شاغل نباشند و کیفیت و تنوع مشاغل موجود نیز به هر دلیل، دور از دسترس آنها قرار گرفته باشد، ایده در جست و جوی کار بودن نیز وجود نخواهد داشت. پدیده‌ای که در سالهای اخیر با آن روبرو بوده‌ایم.

جهت‌گیری سرمایه‌گذارهای کلان به سمت بخشهای مدرن و زیربنایی، نهادها و خط مشیهایی که موجب تخصیص ناکارای منابع سرمایه‌ای می‌شود، بهره‌برداری ناکافی از نیروی کار و سرمایه و زمین، تمرکز بیش از پیش درآمد و ثروت، شتاب فزاینده رشد جمعیت، عدم تطابق تقاضای نیروی کار با عرضه رو به فزونی متقاضیان کار، عواملی است که به خودی خود موجب بروز بیکاری می‌شود، لیکن در مورد زنان باید عواملی چون: انگیزه‌ها، دیدگاهها و موانع فرهنگی را نیز در نظر گرفت که در بحث اشتغال و بیکاری زنان تعیین‌کننده است.

بیکاری زنان در اقتصاد شهری

بیکاری زنان در شهرها صورت حادثری نسبت به روستاها دارد. به نحوی که شکاف نرخ بیکاری زنان مابین دو سرشماری عمومی اخیر از ۶/۰ درصد به ۲۹/۲ درصد رسیده است.^۲ بیکاری زنان در اقتصاد نوین شهری دلایل خاصی دارد که مهمترین آنها را می‌توان بدین ترتیب برشمرد:

عدم انطباق بازار و نیازهای آن با عرضه نیروی کار زنان بدون تخصص و سطوح تحصیلی آنها، تعطیل شدن بسیاری از کارخانه‌ها و موسسات بخش خصوصی که اشتغال زنان بیشتر در آنها شکل گرفته بود،

گروه سنی جوان جویای کار که بیشتر از میان دلبله‌ها هستند، تقاضای بیشتر و وسیعتر مردان برای اشتغال، تبعیت ساخت سنی بیکاران از روند رو به رشد جمعیت - که در نتیجه نرخ طبیعی زاد و ولد و مهاجرت، هجوم خود را بر بازار کار آشکار ساخته است - عدم ایجاد هماهنگی مابین وظایف و مسئولیتهای زندگی خانوادگی و شغلی، آسیب‌پذیری بیشتر زنان شاغل که با کوچکترین دگرگونیهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... در معرض بیکاری قرار می‌گیرند، پایین بودن سطح عمومی دانش زنان نسبت به مردان و کارکردهای بخش تولید.

از کل زنان بیکار ۱۲/۴ درصد بیکاران شهری بودند که این میزان، در سال ۶۵ به ۶۵/۱ درصد رسید و باعث شد تا میزان بیکاری در میان زنان شهری، رشدی بالغ بر ۱۸/۰ درصد در سال داشته باشد. (تعداد زنان بیکار شهری از ۲۹ هزار نفر به ۲۱۶/۵ هزار نفر رسیده است.)

بخش خصوصی

مکانیزم بازار تا حدود زیادی به صورت خودکار عمل خواهد کرد و در جایی که امکان اشتغال در مجراهای هدایت شده وجود نداشته باشد، امکانات (سرمایه، نیروی کار و...) به مجراهای دیگر سرازیر می‌شود؛ ولی حوزه فعالیت‌های اقتصادی در بخش خصوصی به دلیل صاحب سرمایه نبودن زنان، آنان را در موضع انفصال قرار می‌دهد و یا تا سطح مزدبگیری و یا کارگری بدون مزد تنزل می‌دهد. این روند نیز در سالهای اخیر به دلیل گرایشها و کارکردهای بخش خصوصی به شدت سیر نزولی پیدا کرده است و با خروج حدود ۴۴۰ هزار نفر زن از فعالیتهای بخش خصوصی طی سالهای ۱۳۵۵ - ۶۵ فشار اقتصادی بیشتری متوجه جامعه شده است. بخش خصوصی در سالهای اخیر با تمرکز دادن فعالیتهای خود در مشاغل پرسود و غیر تولیدی و دامن زدن به رکود اقتصادی نه تنها در فرایند توسعه نقش منفی ایفا کرده است، بلکه با کاهش اشتغال مزد و حقوق‌بگیری زنان در این بخش به کمتر از یک سوم، منجر به کاهش شاخص اشتغال زنان در مقیاس کلان شده است. مبانی فرهنگی اشتغال و طرز تلقی از شغل نیز از سوی زنان به عنوان مانعی بازدارنده عمل می‌کند. ذهنیتها و هنجارهای جامعه که به نوعی در خود زنان نیز شکل یافته و آنان را به صورت موجودات غیرمستقل و وابسته درآورده است، بیش از پیش به ساختارهای غلط ذهنی مدون شده کمک می‌کند. این

ساختارها به یقین ریشه در اعتقادات ندارند، ولی شیوه‌ها و کارکردهای بازار به گونه‌ای عمل کرده است که زنان را با موانع نامرئی در دستیابی به اشتغال روبرو ساخته است. یعنی می‌بینیم در جایی که امکانی برای دستیابی به شغل وجود نداشته باشد، انگیزه و آرمانی برای جست و جوی آن نیز صورت خارجی پیدا نخواهد کرد.

ساختار سنی

انگیزه و تقاضای کارکردن که در سالهای قبل از انقلاب تقریباً در کلیه سنین وجود داشته است، در سالهای بعد از انقلاب با ازدواج و بچه‌دار شدن تقریباً متوقف می‌شود.

● از میزان اشتغال زنان طی سالهای ۵۵ - ۵۶ به طور متوسط همه سال ۲/۰ درصد کاسته شده است.

● عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تأثیری به مراتب قویتر از عوامل جمعیتی بر اشتغال زنان دارد.

در سال ۶۵، بعد از سن ۲۲ سالگی که قاعدتاً سن ازدواج و بچه‌دار شدن است، جویندگی کار برای زنان به شدت نزول پیدا می‌کند و در حدود ۳۰ سالگی به بعد نزدیک به صفر می‌شود.^۳ روندی که با سیاستهای اتخاذ شده جمعیتی از سوی مدیران سطوح بالایی کشور همخوانی ندارد. از دیدگاه جمعیتی، رابطه معکوس و قوی مابین سطح اشتغال زنان و سطح باروری و تعداد فرزندان کمتر در زنان شاغل - که رابطه‌ای اثبات شده است - به کمک تصحیح مناسبات شغلی و تقویت به کارگیری هرچه بیشتر نیروی کار زنان می‌آید. لیکن از دید توسعه و اقتصاد در مقیاس کلان که سعی بر در نظر گرفتن کلیه مفاهیم و مناسبات اقتصادی - اجتماعی دارد، به کارگیری نیروی کار زنان سیر اجتناب‌ناپذیر است که بایستی به عنوان یک اصل به آن نگریسته شود. ترکیب سنی جوان جمعیت که ناشی از نرخ فزاینده باروری در سالهای اخیر است (از هر سه نفر یک نفر زیر ۱۰ سال سن دارد)، همبستگی قوی با کاهش اشتغال زنان در همین سالها دارد. صورت بهینه دادن به این همبستگی به عنوان شاخصهایی از توسعه، لزوم برخی اصلاحات بنیادی و درازمدت از قبیل تبلیغ کاهش نرخ باروری و برخی اصلاحات نگرشی و مربوط به دیدگاهها، مثل ایجاد اشتغال برای زنان دارد.



کم تنوعی فرصتهای شغلی

کم تنوعی فرصتهای شغلی برای زنان پدیده‌ای است که در کلیه تقسیم‌بندیهای شغلی در سطح کلان و در زیربخشها: بخشی (خصوصی و عمومی)، منطقه‌ای (شهری و روستایی) و بخش مدرن و سنتی و... دیده می‌شود که جدا از مرزبندیهای مرئی و نامرئی، به انگیزه‌ها و تفکرات خود زنان و توقع آنان از شغل نیز برمی‌گردد. عرف جامعه، شغل‌های محدودی را برای زنان ایجاد و تشویق می‌کند که به هر حال دامنه گسترش محدودی دارند. از کل زنان شاغل ۲۶ درصد معلم و مدرس، ۲۳/۵ درصد بهره‌بردار کشاورزی، ۱۸ درصد الیافسکار و بافنده و کشفاب هستند و بقیه (۳۲/۵ درصد) که کمتر از یک سوم زنان شاغل هستند در بقیه گروه‌های شغلی پراکنده‌اند.

سواد و تحصیلات

عدم تطبیق مهارتها و آموخته‌های زنان با نیازهای بازار، به صورت عامل مضاعفی در جهت در حاشیه ماندن زنان در بازار کار عمل می‌کند؛ به صورتی که وقتی فرصتهای برابر شغلی وجود داشته باشد، زنانی می‌توانند مشغول به کار شوند که از سواد و تحصیلات و دانش علمی بالاتر از مردان همکار خود برخوردار باشند و این در حالی است که زنان از آموزش عالی و تحصیلات آکادمیک برابر با مردان برخوردار نیستند و در تعداد بسیار زیادی از رشته‌های دانشگاهی، دانشجوی دختر وجود ندارد (از مجموع ۴۳۱ رشته دانشگاهی در ۱۲۳ رشته - حتی در تکنولوژی آموزشی یا مدیریت آموزشی - در سال ۶۵ دانشجوی دختر نداشته‌ایم). ولی همین تعداد دانش‌آموختگان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهها (۲۹ درصد کل دانشجویان) زیربنای مستحکمی در دستیابی زنان به مشاغل در سطح بالاتر را به وجود آورده است. (۶/۴ درصد مردان شاغل دارای تحصیلات عالی هستند، در حالی که از زنان شاغل، ۱۸ درصد دارای تحصیلات عالی می‌باشند) و در میان شاغلان با تحصیلات متوسطه، ۲۶ درصد مردان شاغل و ۴۶ درصد زنان شاغل دارای تحصیلات متوسطه هستند.^۷

بالاتر بودن نسبت امکانات آموزشی در شهرها، تمایل بیشتر خانواده‌های شهری به تحصیل دختران نسبت به خانواده‌های روستایی، محدودتر بودن فرصتهای اشتغال در سنین پایین در شهرها برای دختران، گسترده‌تر بودن فعالیتهای بخش عمومی در شهرها، دستیابی بیشتر زنان به مشاغل محدود بخش عمومی در سالهای اخیر، کاهش

امکانات دستیابی زنان به مشاغل متعدد بخش خصوصی در سالهای اخیر، باعث افزایش نسبت زنان باسواد شهری شاغل در سالهای اخیر شده است، تا جایی که حدود ۹۰ درصد از زنان شاغل شهری با سواد هستند، لیکن این نسبت در روستاها حدود ۳۶ درصد است. به طور کلی بازار کار خواهان زنان آموزش دیده است و مشاغلی که به دانش و مهارت خاصی نیاز ندارد، به کارگرفتن مردان را به دلایل اجتماعی و عرف رایج کار ترجیح می‌دهد. عدم تطبیق مهارتهای زنان با نیازهای بازار کار در بخش نوین و آموزش مهارتهای لازم به آنان مسئله‌ای است که در برنامه‌ریزیهای بخش بایستی به آن توجه شود. چون با پایین بودن میزان سواد و دانش فنی زنان نسبت به مردان، همواره زنانی در دستیابی به اشتغال موفق خواهند بود که از میزان سواد و دانش بالاتری برخوردار باشند، بدین ترتیب زنانی که خواهان و یا نیازمند کار هستند با ابزار علمی و عملی مفیدتر می‌توانند نقش موثرتری در بالابردن بهره‌وری نیروی کار و افزایش تولید ناخالص ملی داشته باشند.

زنان در فعالیتهای شغلی

اگرچه ساختار اشتغال در کشور در کل صورت مطلوبی نداشته و حکایت از یک نظام اقتصادی بیمار و غیر پویا داشته است، لیکن در این بین ساختار اشتغال زنان صورت نامطلوبتری داشته است و در دو گروه مشاغل سنتی و نوین، سهم زنان به کارگری، کشاورزی، معلمی و بهیاری محدود شده است و در مدیریتهای سطح بالا و مراجع تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری حضور آنان بسیار اندک است، که جدا از استفاده نکردن از کلیه نیروهای توانمند جامعه، به طرز تفکرها و دیدگاههای غلط در زمینه اشتغال زنان دامن می‌زند.

از دست رفتن فرصتهای شغلی زنان در صنایع کشور و به خصوص صنایع نساجی محتاج بررسیهایی دقیق و همه‌جانبه است؛^۸ به دلیل اینکه بیشترین کاهش که منجر به تنزل شاخص اشتغال زنان شده است، در صنایع نساجی اتفاق افتاده است (با کاهش شاغلان زن در گروه صنعت از ۶۳۹ هزار نفر به ۲۱۱ هزار نفر، بیشتر از ۴۲۸ هزار از فرصتهای شغلی زنان در اشتغال صنعتی از دست رفته است که قریب ۴۱۹ هزار آن در گروه صنایع نساجی، پوشاک و چرم بوده است).^۹ ۹۸ درصد فرصتهای شغلی از دست رفته زنان در بخش صنعت مربوط به فعالیتهای آنها در گروه صنایع نساجی، پوشاک و چرم است و

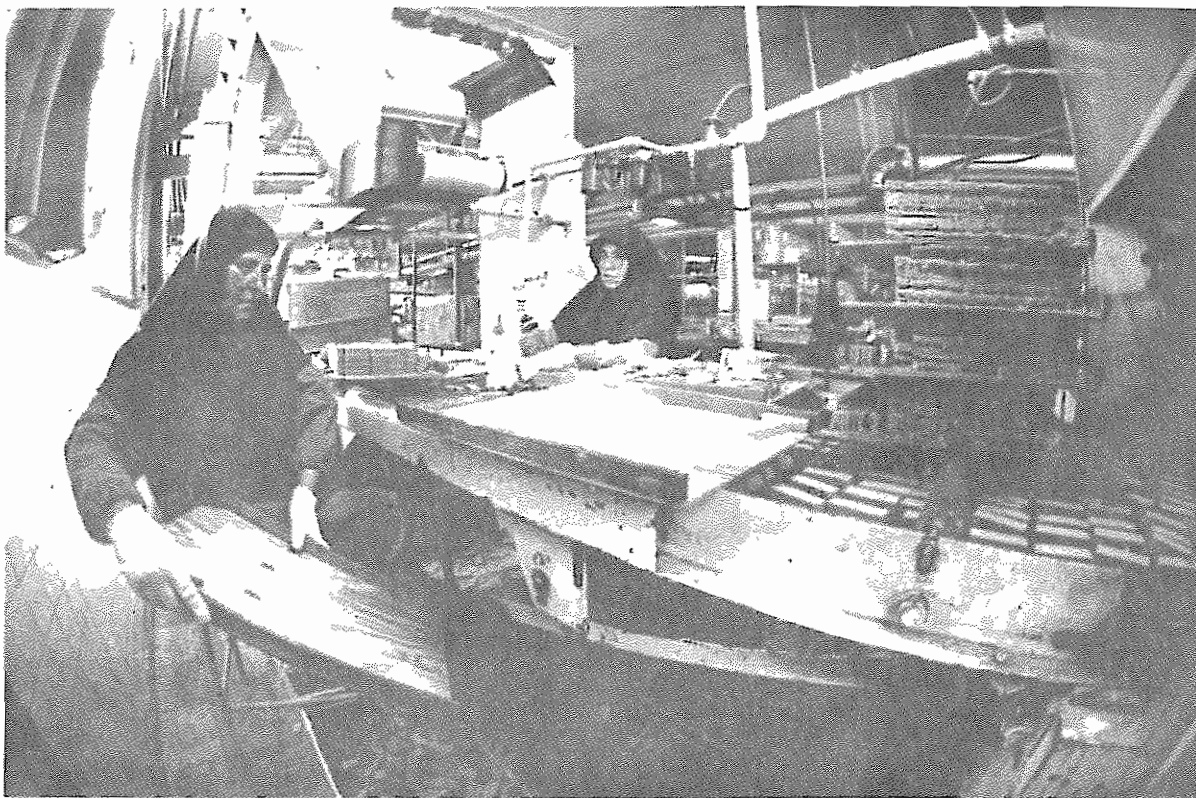
به نسبت زنانی که در کارگاهها و کارخانه‌های بزرگ این بخش (ده نفر کارکن و بالاتر) کار می‌کنند، در مقایسه با زنان کارگر همین گروه، فعالیتی که در مقیاس کوچک و محدود فعالیت دارند، یک به ۱۷ است. به این ترتیب مشاهده می‌شود که بیشترین صدمه در مورد از دست رفتن فرصتهای شغلی زنان در کارگاهها و کارخانه‌های بزرگ بخش نوین اقتصادی اتفاق افتاده است. تمرکز زنان در فعالیتهای خدمات عمومی و اجتماعی به دلیل تمرکز آنها در شغل معلمی و عدم دستیابی به حیطه‌های دیگر شغلی بوده است.

مهاجرت

مهاجرت با از دست دادن فرصتهای اشتغال زنان در روستاها و عدم امکان جذب آنان در بازارهای کار شهری بر ساخت کلی اشتغال زنان اثر منفی گذاشته است. عدم تطبیق مهارتهای زنان با نیازهای بازار کار، دستیابی آنان را به مشاغل شهری بویژه در بخش نوین دچار اشکال می‌کند و آنها را تا حد کارگر ساده تنزل می‌دهد. (این تنزل در جایی معنی‌دار است که فعالیتهای کشاورزی و فعالیتهای وابسته به آن را به نوعی اشتغال با مهارت کم تلقی کنیم). در حالیکه توجه به خصوصیات اقلیمی مناطق مختلف ایران و پتانسیلهایی که برای ایجاد طیفهای گوناگون اشتغال در مناطق مختلف با در نظر گرفتن ویژگیهای محیطی وجود دارد، می‌تواند ساخت کلی اشتغال و به تبع آن ساخت اشتغال زنان را به نحو قابل توجهی بهبود بخشد.

اشتغال پاره وقت

نگرش دقیق به سیستم کار پاره‌وقت^۱ و اصلاح قوانین و مقررات موجود، و کسب اطلاعات لازم در مورد تجربیات سایر کشورها می‌تواند به عنوان عامل مهمی در توازن میان نیازهای فردی و نیازهای اجتماعی عمل کند و در ضمن تلفیقی میان وظایف چندگانه زن به عنوان مادر و همسر و عضوی از اجتماع به وجود آورد. در حالی که کار پاره‌وقت در ایران اگر چه جنبه قانونی دارد ولی در مراجع اجرایی اعم از بخش عمومی و خصوصی توسط کارفرمایان به رسمیت شناخته نشده است و تضمینهای کافی و مناسب را ندارد. مشاغل نیمه وقت هنوز شکل واقعی خود را برای زنان پیدا نکرده است و طرح اشتغال نیمه وقت بانوان نیز به دلیل ضعفهای عدیده و عدم امکان در اختیار گذاردن شرایط متناسب، از سوی



زنان کارمند با استقبال روبرو نشده است.

چشم انداز آینده

از دیاد سریع جمعیت و نیازهای ناشی از آن، میزان بیشتری از خدمات عمومی از قبیل آموزش و پرورش و بهداشت عمومی را می‌طلبند که در این زمینه‌ها نقش زنان با توجه به تطابق این مشاغل با هنجارهای اجتماعی بی‌تردید ادامه خواهد یافت. البته حتی در مورد مشاغل بهداشتی و آموزشی زنان نیز تعادل معقول و شایسته برقرار نیست؛ چنانچه در سال ۱۳۶۵، فقط ۱۶ درصد از پزشکان کشور را زنان تشکیل می‌دادند و در مورد سایر رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی نیز نسبتها تقریباً به همین قرار است و نسبت معلمان و مدرسان زن نیز کمتر از ۴۵ درصد کل معلمان و مدرسان کشور است، لیکن محدود شدن حیطه اشتغال زنان به مشاغل آموزشی و بهداشتی آنان را از عملکردهای واقعی سیستم اقتصادی و نیازهای آن و شرایط لازم برای دستیابی و حتی رشد معقول در درون سیستم اقتصادی دور می‌کند، چه برسد به اینکه در پی دست یافتن به توسعه اقتصادی - اجتماعی باشیم. براساس آخرین سرشماری، بیشترین حجم فعالیت زنان در گروه فعالیتی خدمات عمومی و اجتماعی شکل گرفته است که ۴۲/۵ درصد زنان شاغل را به خود جذب کرده است. از این افراد ۸۶ درصد در بخش عمومی فعال

هستند. بدین منظور و در جهت استفاده بهینه از نیروهای فعال جامعه، نقش آموزش و پرورش همگانی و آموزش عالی به عنوان بنیادین‌ترین عامل اصلاح ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد بود. بایستی با گسترش آموزش و پرورش عمومی بخصوص در روستاها تعداد بیشتری از افراد - بویژه دختران که همواره دسترسی کمتری به آموزش و پرورش دارند - تحت تعلیم قرار گیرند.

تجدیدنظر در محدودیتهایی که در حال حاضر در نظام آموزش عالی برای زنان وجود دارد،^۱ توزیع متناسبتری از افراد صاحب صلاحیت را براساس استعدادها و علاقیشان به وجود خواهد آورد که به نوبه خود و با ورود تدریجی به بازار کار اصلیتزین خلأ و کمبودی را که همواره به عنوان مشکلی جدی در سر راه توسعه کشور وجود دارد و چیزی جز نیروی انسانی کارآمد و لایق نیست، تا حد زیادی برطرف خواهد کرد.

جهت دادن سرمایه‌گذاریها در امور تولیدی، اصلاحات موثر در قوانین کار، امنیت سرمایه‌گذاری بویژه در امور تولیدی و تشویق آن، به راه اندازی کارخانه‌ها و کارگاههای تولیدی و تامین مواد اولیه آنها، سیاستهایی است که حرکتی هرچند تدریجی را به سمت توسعه ایجاد می‌کند و در این بین ساختار شغلی زنان نیز صورت بهتری پیدا خواهد کرد. تامین حداقل معاش از یک سو

و لزوم استفاده از نیروهای بالقوه از سوی دیگر ایجاب می‌کند که نیروی کار زنان در کلیه سطوح مهارتی به ویژه سطوح تخصصی آنها استفاده شود. ضرورت اتخاذ سیاستها و خط مشیهای دقیق و منسجم جهت به کارگیری نیروی بالقوه زنان کاملاً بدیهی است.

ضرورتهای اقتصادی ناشی از کارکردن زنان، ما را ملزم می‌کند که در برخی از مفاهیم و مناسبات تجدید نظر کنیم و به فکر تصحیح و بهینه سازی استفاده از ظرفیتهای نیروی انسانی موجود باشیم. این سیاستی است که فرآیند توسعه به جامعه دیکته می‌کند و حتی دستیابی به یک رشد معقول برای بهره‌وری نیروی انسانی و افزایش تولید ناخالص ملی امری اجتناب ناپذیر است.

یادداشتها:

۱ - بر اساس آمار (Year Book of labour statistics, 110, 1988) در مورد ۱۱۰ کشور و مقایسه آن با نرخ فعالیت زنان در ایران، مشخص می‌شود که ایران با نرخ فعالیت ۵/۵ درصد برای زنان در مقام ۱۰۸ قرار دارد و فقط زنان دو کشور گینه بیسائو (۱/۹ درصد) و نیجر (۴/۴) نرخ فعالیت کمتر از زنان ایرانی دارند.

۲ - جدول مقایسه نسبت و متوسط نرخ رشد شاغلان ده ساله و بالاتر در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ بر حسب جنس:

سال	کل شاغلان	زن	مرد	نسبت کل
۱۳۵۵	۸۷۹۹۲۱	۱۱۳۲۰۲	۷۵۸۷۳۹	۱۲/۷۷
۱۳۶۵	۱۱۱۱۵۵۱	۹۷۵۳۱	۱۰۱۴۰۲۰	۸/۸۶
نرخ رشد متوسط سالانه	۲/۳	-۲/۰	۱/۸	

۳ - نزدیک ۴۶ درصد از زنان شاغل رسمی سنوات خدمتی کمتر از ۱۰ سال دارند و با توجه به اینکه ۸۵ درصد آنها دارای مدرک دیپلم و فوق دیپلم هستند، و با توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق کلیه استخدامها در سالهای اخیر در آموزش و پرورش صورت گرفته است. (در سال ۶۴ و ۶۵، ۹۲ درصد کلیه استخدامهای بخش مشمول قانون استخدام کشوری در آموزش و پرورش بوده است) به نظر می‌رسد که تغییرات بزرگی در حیطه مشاغل قابل دسترس برای زنان اتفاق افتاده است و سیاست گذاری کلی جهت دادن سمت اشتغال زنان و محدود کردن آن به شغل معلمی بوده است.

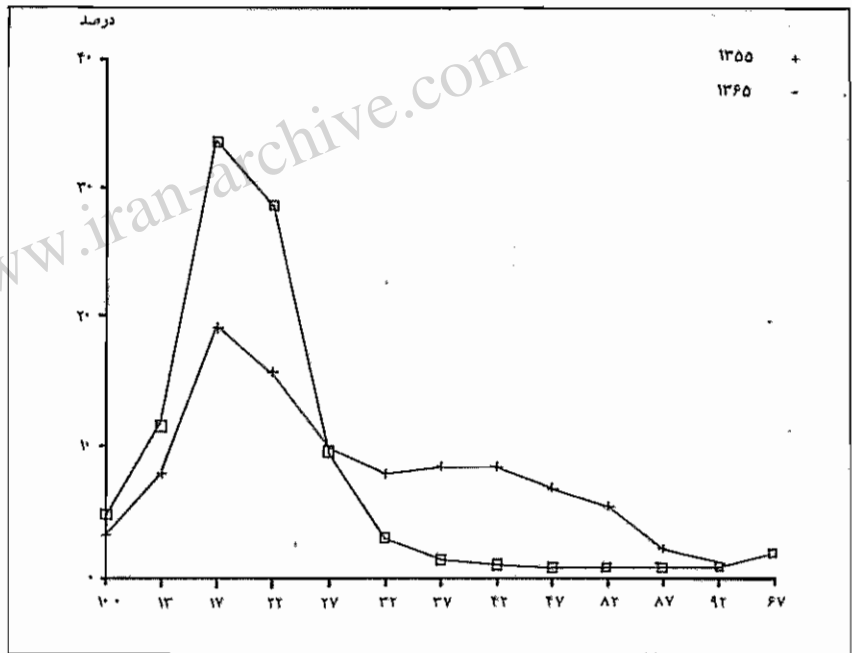
۴ - مقایسه نرخ بیکاری زنان در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به تفکیک مناطق شهری و روستایی در جدول زیر آمده است:

نرخ بیکاری	زنان فعال	
	شهری	روستایی
۱۳۶۵	۲۲٪	۱۳٪
۱۳۵۵	۲۳٪	۱۳٪
۱۳۶۵	۲۸٪	۲۱٪
۱۳۵۵	۲۶٪	۲۱٪
۱۳۶۵	۲۸٪	۲۰٪
۱۳۵۵	۲۸٪	۲۰٪

۵ - نمودار فراوانی نسبی زنان بیکار جویای کار برحسب گروههای سنی در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ (کل کشور). ص ۱۰۴ الف

گروه سنی	۱۳۶۵		۱۳۵۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمع	۱۳۲۰۲	۱۰۰٪	۱۲۸۶۲	۱۰۰٪
۱۰-۱۴	۲۵۵۲۲	۱۹٪	۲۵۵۲۲	۲۰٪
۱۵-۱۹	۲۵۰۳۰	۱۹٪	۲۵۰۳۰	۱۹٪
۲۰-۲۴	۵۲۷	۰٪	۵۲۷	۰٪
۲۵-۲۹	۲۳۸۲	۱۸٪	۲۳۸۲	۱۸٪
۳۰-۳۴	۴۲۹۹۹	۳۳٪	۴۲۹۹۹	۳۳٪
۳۵-۳۹	۱۱۷	۰٪	۱۱۷	۰٪
۴۰-۴۴	۷۸۷	۰٪	۷۸۷	۰٪
۴۵-۴۹	۱۳۳۷	۱۰٪	۱۳۳۷	۱۰٪
۵۰-۵۴	۸۸۲	۷٪	۸۸۲	۷٪
۵۵-۵۹	۱۲۶۹	۱۰٪	۱۲۶۹	۱۰٪
۶۰-۶۴	۲۸۵۶۶	۲۲٪	۲۸۵۶۶	۲۲٪

۸ - توزیع زنان در گروههای عمده فعالیت در سال ۵۵ و ۶۵



۶ - مشاغلی که در اشتغال شهری زنان بیش از یک درصد دارند.

تعداد (هزار نفر)	درصد
۵۲۷	۱۰۰٪
۲۳۴	۴۴٪
۲۷	۸٪
۲۳	۴٪
۲۰	۳٪
۱۹	۳٪
۱۶	۳٪
۱۶	۳٪
۱۵	۲٪
۹	۱٪
۸	۱٪
۵	۱٪
۱۰۵	۱۹٪

مشاغلی که در پراکنش آمده است نسبت بسیار قلیلی در اشتغال زنان دارد.

کل کشور	شهر		روستا	
	مرد	زن	مرد	زن
جمع بانواد	۳۸/۸	۱۸/۷	۳۵/۶	۳۲/۹
ابتدایی	۳۰/۹	۱۶/۱	۲۵/۶	۲۳/۹
راهنمایی	۱۵/۳	۷/۱	۱۵/۶	۱۳/۶
متوسطه	۲۵/۸	۱۰/۲	۲۱/۹	۲۲/۵
عالی	۶/۴	۱/۲	۸/۷	۱۰/۲
حوزهای	۰/۵	۰/۱	۰/۵	۰/۴
سوادآموزی	۲/۱	۱/۶	۱/۶	۱/۶
تحصیلات غیر رسمی	۶/۹	۱/۱	۴/۸	۴/۳
ناشنخص	۱/۳	۱/۲	۱/۴	۲/۵

۸ - در گزارش بررسی ویژگیهای اشتغال زنان در ایران، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۶۹، که توسط میثرا باقریان تهیه شده است تا حدودی این مسئله و سایر مسائل اشتغال و بیکاری زنان مورد کنکاش بیشتری قرار گرفته است. توزیع زنان در گروههای عمده فعالیت در سال ۵۵ و ۶۵ به شرح زیر است: →

۹ - بسیاری از دولتهای کشورهای صنعتی دارای اقتصاد بازار (IMESCS) کار پاره وقت در خدمات عمومی را تشویق می‌کنند. کنگره ایالات متحده معتقد است که اشتغال نیمه وقت به عنوان استخدام کننده و مدیر اقتصادی به سود دولت و برای فرد به علت ویژگی ساعات کار کمتر بسیار مفید است. در سوئد، آلمان، انگلیس و سایر کشورهای پیشرفته صنعتی نیز قوانین موثری در حمایت خانواده و اشتغال نیمه وقت والدین (پدر یا مادر) امکان مراقبت بیشتر از فرزندان را تا سنین مدرسه به وجود می‌آورد و در ضمن از شدت مشکل بیکاری نیز می‌کاهد.

۱۰ - براساس آمار آموزش عالی، در سال تحصیلی ۶۵ - ۶۶ از کل دانشجویان مقطع کاردانی ۲۶ درصد، مقطع کارشناسی ۳۰ درصد، مقطع کارشناسی ارشد ۲۲ درصد، دکتری حرفه‌ای ۲۲ درصد و دکتری تخصصی ۲۱ درصد زن بودند. و در بین تمام گروههای رشته‌های تحصیلی و مقاطع تحصیلی گروه تحصیلی روابط و رسانه‌های گروهی با ۹/۱ درصد دانشجوی زن در مقطع تحصیلی کارشناسی و گروه تحصیلی مهندسی با ۹/۹ درصد دانشجوی زن در مقطع کاردانی، ۵/۴ درصد در مقطع کارشناسی و ۲/۶ درصد در مقطع کارشناسی ارشد کمترین نسبت دانشجوی زن را در کل دانشجویان داشتند.

در حال حاضر دانشجویان دختر فقط اجازه ورود و تحصیل در یک چهارم از رشته‌های دانشگاهی را دارند و در تمامی رشته‌های دانشگاهی به جز مامایی با محدودیت سهمیه پذیرش روبرو هستند.

۱. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، کل کشور، سال ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران
۲. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، کل کشور، سال ۱۳۵۵، مرکز آمار ایران
۳. آمار بودجه و هزینه خانوارهای شهری، سال ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران
۴. آمار بودجه و هزینه خانوارهای روستایی، سال ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران
۵. آمار آموزش عالی، سال ۶۵ - ۱۳۶۶، وزارت فرهنگ و آموزش عالی
۶. آمار پزشکیان و پیراپزشکان، سال ۱۳۶۵، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی
۷. بررسی ویژگیهای اشتغال زنان در ایران، میثرا باقریان، سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۹
۸. بررسی بخش غیر متشکل ایران، تولید و مسائل آن، محمود هدایت، میثرا باقریان، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸
۹. نشریات و منابع آماری سازمان ملل متحد (U.N)، سازمان بین‌المللی کار (ILO).

تازه‌های انتشارات نمایش:

نمایش



کتاب‌های انتشارات نمایش:

الف: نمایشنامه‌ها

- ۲۶ - کیسه بوکسی، نوشته هلی موزنی - ۳۵۰ ریال
- ۲۷ - آن شب که تورو زندانی بود، نوشته جروم لارنس، روپرت الماسی، ترجمه بهزاد قادری، یدالله آقاعباسی - ۳۵۰ ریال
- ۲۸ - عقابی یا دو سر، نوشته ژان کوکوی، ترجمه هوشنگ حسامی - ۴۰۰ ریال
- ۲۹ - اطلس‌های لگدمال‌شده، پیروزی تخم‌مرخ، نوشته تنسی ویلیامز، شرود آندرسن، ترجمه منصوره شریف‌زاده - ۲۰۰ ریال
- ۳۰ - حساب پرداخت نمی‌شه، نوشته داریوئو، ترجمه جاهد جهانشاهی - ۴۰۰ ریال
- ۳۱ - تولد، نوشته آرمان گاتی، ترجمه رضاسیدحسینی - ۳۵۰ ریال
- ۳۲ - گلبرگ ۳ - (مجموعه نمایشنامه ویژه کودکان و نوجوانان) - ۴۵۰ ریال
- ۳۳ - گلبرگ ۴ - (مجموعه نمایشنامه ویژه کودکان و نوجوانان) - ۴۰۰ ریال

- ۱ - اسپه‌شینه و نوشته هواس پلوک - ۲۴۰ ریال
- ۲ - بهار ۵۷، نوشته خسرو شهریاری - ۱۸۰ ریال
- ۳ - راز درخت مقدس، نوشته داوود کیانیان - ۱۶۰ ریال
- ۴ - قرارداد ۱۹۱۹، نوشته عبدالرحی شماسی - ۱۸۰ ریال
- ۵ - دلی بای و آهو، نوشته عباس معروفی - ۲۰۰ ریال
- ۶ - داخداران، نوشته هواس پلوک - ۲۴۰ ریال
- ۷ - قهرمان آزادی، نوشته حسین جعفری - ۲۰۰ ریال
- ۸ - شب پارانی، نوشته اسماعیل هتسی - ۱۶۰ ریال
- ۹ - دیر مکافات، نوشته جابر عناصری - ۲۰۰ ریال
- ۱۰ - دفتر نمایش ۱ (مجموعه نمایشنامه‌های ایرانی) - ۹۰۰ ریال
- ۱۱ - آوای جنگلی، نوشته فرامرز طالبی - ۲۵۰ ریال
- ۱۲ - تانمیرا، نوشته نعمت لاریان - ۱۰۰ ریال
- ۱۳ - آهسته با گل سرخ، نوشته اکبر رادی - ۵۰۰ ریال
- ۱۴ - پلکان، نوشته اکبر رادی - ۵۰۰ ریال
- ۱۵ - آی داغم سی روئین‌تن، نوشته یارعلی پورمقدم - ۱۳۰ ریال
- ۱۶ - منتظران، نوشته حسین جعفری - ۵۰۰ ریال
- ۱۷ - پنجره‌ای پر بادعا، کوله‌بار (دو نمایشنامه)، نوشته فرهاد ناظرزاده کرمانی - ۲۵۰ ریال
- ۱۸ - من به باغ عرفان، نوشته پری صابری - ۲۵۰ ریال
- ۱۹ - چهار نمایشنامه، نوشته مهدی پوررضاییان - ۳۵۰ ریال
- ۲۰ - قبل از انفجار، غروب یک پرکه (دو نمایشنامه)، نوشته حسین فرخی - ۳۰۰ ریال
- ۲۱ - حکایت شهر سنگی، گوهر پنهان (دو نمایشنامه)، نوشته عبدالرحی شماسی - ۳۵۰ ریال
- ۲۲ - کبودان و اسفندیار، نوشته آرمان امید - ۲۰۰ ریال
- ۲۳ - گلبرگ ۱، (مجموعه نمایشنامه ویژه کودکان و نوجوانان) - ۸۰۰ ریال
- ۲۴ - گلبرگ ۲ - (مجموعه نمایشنامه ویژه کودکان و نوجوانان) - ۵۰۰ ریال
- ۲۵ - سهراب شیشه، سهراب‌ساز و والی قبرستان (دو نمایشنامه)، نوشته خسرو حکیم رابط - ۳۵۰ ریال

ب - پژوهش‌ها و کتاب‌های آموزشی

- ۱ - فصلنامه تئاتر، شماره ۱ - ۴۵۰ ریال
- ۲ - فصلنامه تئاتر، شماره ۲ و ۳ - ۹۵۰ ریال
- ۳ - فصلنامه تئاتر، شماره ۴ و ۵ - ۱۲۰۰ ریال
- ۴ - فصلنامه تئاتر، شماره ۶ و ۷ و ۸ - ۲۰۰۰ ریال
- ۵ - فصلنامه تئاتر، شماره ۹ و ۱۰ و ۱۱ - ۱۸۰۰ ریال
- ۶ - فصلنامه تئاتر، شماره ۱۱ و ۱۲ - ۲۵۰۰ ریال
- ۷ - دفتر تمزیه ۱ - ۶۰۰ ریال
- ۸ - بازیگری (شش درس نخستین) - نوشته ریچارد بولساوسکی، ترجمه ناصر آقایی - ۵۲۰ ریال
- ۹ - مبانی حرکت و بیان، نوشته ناصر آقایی - ۲۲۰ ریال
- ۱۰ - تئاتر امروز افریقا، نوشته مارتین بهنام، کلیوریک - ترجمه متوجهر یگدلی خصه - ۳۵۰ ریال
- ۱۱ - نمایش در شرق، نوشته جلال ستاری - ۳۰۰ ریال
- ۱۲ - نقش نمایش در تعلیم و تربیت، گوردون فایرکلو، ترجمه داوود دانشور - ۳۰۰ ریال
- ۱۳ - آنتون آرئو، نوشته جلال ستاری - ۳۲۰ ریال

انتشارات نمایش، جهت توزیع کتابهای خود در تهران

و شهرستانها، نماینده فعال می‌پذیرد: تلفن ۶۷۷۲۶۹

خبر



نگاهی تازه به زن ایرانی

«خانه من کجاست؟» نام سریال جدیدی است از مجموعه تلویزیونی «خانواده در سیما» که بزودی از شبکه اول سیما پخش خواهد شد.

این سریال در گروه اجتماعی تهیه شده و در حال حاضر مراحل تدوین را می‌گذراند. این فیلم که با نگاهی تازه و متفاوت به زن ایرانی می‌نگرد، کاری است از فروغ کاخ‌ساز که توسط محمد حسن‌زاده کارگردانی شده است. بادآوری می‌شود که از این تهیه‌کننده و کارگردان، قبلاً مجموعه «خانواده در سیما» را دیده‌ایم.

«فروغ فرخزاد» به روایت

پری صابری

نمایشنامه «من از کجا، عشق از کجا» کار تازه‌ای است از پری صابری که با نگاهی به غزلیات حافظ و مولانا به زندگی فروغ فرخزاد، شاعره نوپرداز ایرانی پرداخته است.

وی در سال ۶۷ در نشانتری دیگر تحت عنوان «من به باغ عرفان» به زندگی سهراب سپهری پرداخته بود.



برنامه‌های دهمین جشنواره فیلم فجر اعلام شد

روز دهم‌دی‌ماه، مسجبتی اقدامی، مسئول جدید روابط عمومی بنیاد فارابی به خبرنگاران نشریات معرفی شد. وی برنامه‌های دهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر را اعلام کرد.

مسئول روابط عمومی بنیاد فارابی، در توضیح چگونگی برنامه‌های جشنواره امسال، گفت: «فیلمهای جشنواره سال ۷۰، در ۱۴ بخش به نمایش درمی‌آید.»

آقای اقدامی افزود: «امسال بخش مرور یک سال سینمای ایران نخواهیم داشت. در بخش مسابقه سینمای ایران، به دلیل نداشتن محدودیت، تعداد فیلم بیشتری شرکت خواهند کرد و به همین دلیل رقابت جدی‌تری وجود خواهد داشت. امسال هم یک بخش خارج از مسابقه برای فیلمهایی که به دلایلی نمی‌توانند در بخش مسابقه شرکت کنند، ولی استعداد آن را دارند، خواهیم داشت. مسابقه فیلمهای اول و دوم سینمای ایران، با هیئت داورانی مستقل امسال نیز برگزار می‌شود.»

بنابر اظهارات مسئول روابط عمومی بنیاد، امسال یک فصل

جدید در جشنواره گشوده شده به نام «سینمای ایران در یک سکانس» که شامل فیلمهای ایرانی خواهد بود که در طول ۱۰ سال به نحوی در جشنواره شرکت کرده و جوایزی را به خود اختصاص داده‌اند. سکانسهاییک تاسه دقیقه است که کارگردانان خود آنها را انتخاب کرده‌اند. این سکانسها در طول شش تا هشت ساعت در چند برنامه نمایش داده خواهند شد.

بخشهای دیگر جشنواره دهم، مسابقه بوستر، عکس و آنونس و نیز جشنواره جشنواره‌ها و نمایشهای ویژه است.

دادوستد تصویر و کلام، ادبیات و سینمای شوروی - اکیرا کوروساوا، شرق، ایمان به فرجام نیک، از فصول جدید جشنواره است. همچنین از بخشهای جدید: اینگمار برگمان غرب، تردید و سرگشتگی - استادان خاموش سینمای فرانسه (فیلمهای نسل اول سینمای فرانسه) - سفیران خنده (مجموعه‌ای از فیلمهای کم‌دینهای معروف سینما) - چشم‌انداز سینمای افریقا - سینمای فلسطین و جلوه‌های مقاومت است.

مسئول روابط عمومی بنیاد فارابی در باره نحوه دیدار مردم از فیلمهای جشنواره گفت: «مردم مانند سالهای گذشته می‌توانند از گیشه‌های فروش سینما بلیت تهیه کنند، ولی برای دانشجویان سینما و دست‌اندرکاران و هنرمندان، مانند سالهای گذشته کارت پیش‌فروش تهیه شده است که از اول بهمن‌ماه توزیع خواهد شد.»

امسال، ۵۲ فیلمساز ایرانی تقاضای راه‌یافتن فیلمهای خود را به جشنواره کرده‌اند که از جمیع آنان می‌توان به داریوش مهرجویی با فیلم «بانو»، ابراهیم فروزش با فیلم



جنوبی و در محل سفارت فرانسه به وی اعطا شد.

گوردیمر رمان‌نویسی است که در آثارش به موضوع تبعیض نژادی در زندگی انسان می‌پردازد. ویژگی نوشته‌های او مخالفت شدید با تبعیض نژادی در افریقای جنوبی است. وی به دلیل هواداری از حقوق سیاهان و مخالفت با تبعیض نژادی بارها با اقلیت سفید حاکم برخورد داشته و به همین علت طعم سانسور را در آثارش چشیده است.

نادین گوردیمر در بیستم نوامبر سال ۱۹۲۳ در شهر اسپرینگز، در حومه ژوهانسبورگ متولد شد. پدرش اهل لیتوانی و مادرش انگلیسی بود. نویسندگی را از ۹ سالگی شروع کرد و تاکنون ده رمان، هفت مجموعه قصه و چند کتاب در زمینه نقد ادبی از او انتشار یافته است.

آخرین رمان گوردیمر «داستان پسر» نام دارد که سال گذشته در جنوب آفریقا به چاپ رسیده است. او در سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ برنده جایزه «بروکسپرایز» و جایزه بزرگ عقاب طلائی (از شهر نیس در جنوب آفریقا) نیز بوده است. او در حال حاضر همسر یک تاجر عتیقه و مادر دو فرزند است.

جلال‌الدین کزازی بودند که موضوع سخنرانی آنان، به ترتیب عبارت بود از: «چند نکته درباره سبک شعری پروین»، «پروین و سنت ادبی ایرانی»، «پروین کیمیاگر و انسان کوتاه‌نظر»، «شعر اجتماعی و پروین».

شاعرانی که در این مراسم شعر خواندند، خانمها فاطمه جهان‌گرد و توران بهرامی و آقای علی نوروزی‌پناه بودند.

کتاب سال زنان انتخاب می‌شود

دانشگاه الزهرا از میان کتابهای نویسندگان، مترجمان و محققان زن، کتاب سال انتخاب می‌کند.

دانشگاه الزهرا در نظر دارد به منظور نشان دادن فعالیتهای فرهنگی زنان پس از انقلاب اسلامی، از میان تألیفات، ترجمه‌ها و پژوهشهای زنان متخصص ایران از سال ۵۷ به بعد، کتابهای برجسته را انتخاب کند. معاونت پژوهشی این دانشگاه در بررسیهای اولیه بیش از ۲۵۰۰ عنوان کتاب را در این زمینه شناسایی کرده است. این کتابها که توسط خود خانمها به معاونت مذکور، فرستاده می‌شود، در ۱۲ گروه دستبندی می‌شود و هر گروه، دارای سه داور از اساتید دانشگاهها خواهد بود. در مرحله نهایی کتابهای انتخاب‌شده توسط داوران مدعو از دانشگاههای مختلف بررسی و انتخاب نهایی خواهد شد.

نشان فرهنگی برای نادین گوردیمر

خانم نادین گوردیمر، برنده جایزه ادبی نوبل سال ۱۹۹۱، از دولت فرانسه نشان «فرهنگ و ادبیات» از نوع شهسوار دریافت کرد. این نشان در پرتوریا پایتخت آفریقای

ماهداشتن از پشتیبان خود، استقلال و ویژگی خود را داراست. درباره شعر و جایگاه ادبی این شاعره گرامی، سخن زیاد گفته‌اند، اما هنوز آنگونه که باید، به شعر او پرداخته‌اند و حتی بعضی در شاعری او تردید و دیوان او را جعلی اعلام کرده‌اند. به همین سبب دانشگاه علامه طباطبایی در برنامه‌ریزی خود برای طرح مباحثی درباره ادب فارسی، ابتدا به بزرگداشت پروین پرداخت تا به سهم خود، کزاندیشها و بدفهمیهای را که درباره او پدید آمده است، از ذهنها پاک کند.

دکتر طباطبایی درباره سخنرانیان و موضوعاتی که به آن پرداخته‌اند، گفت: «دکتر احمد تیم‌داری درباره انعکاس مسایل اجتماعی و سیاسی در دیوان پروین» و دکتر جلیل سگرنژاد، درباره «طنز ملیح در شعر پروین» سخن گفتند. «ستم‌تیزی و سالوس‌شکنی در شعر پروین» عنوان مقاله دکتر سید محمد حسینی بود. وی با آوردن نمونه‌هایی از شعر پروین گفت: «به باور پروین، خاستگاه نابرابریها، ستمگریها و مردم‌فریبیها، شرایط ستمگرانه و رباکارانه بوده است که فرمانروایان و کارگزاران تبهکار و سالوس‌پیشه و نیرنگ‌باز فراهم آورده بودند، نه دست تقدیر و سرنوشت.»

دکتر شجاع‌الدین قرشی در باره ترجمه‌پذیری شعر پروین سخنرانی کرد. سخنران بعدی خانم دکتر مهردادخت برومند از اصفهان بود که درباره «پروین و دیگر شاعران زن ایرانی در یک قرن اخیر» سخن گفت و پروین را با سه تن از شعرای زن: ژاله قائم‌مقامی، سمین بهبهانی، و فروغ فرخزاد، مقایسه کرد. سخنرانان بعدی، دکتر سعید حمیدیان، سیدمحمد آوایی، فرزانه یاورزاده، دکتر مهدخت معین و

«خمره»، علی حاتمی با فیلم «دلشدگان»، محسن مخملباف با فیلم «روزی، روزگاری سینما»، عباس کیارستمی با فیلم «زندگی و دیگر هیچ»، بهرام بیضایی با فیلم «سافران» و علیرضا داوودنژاد با فیلم «نیاز» اشاره کرد. فیلمسازان زن شرکت‌کننده در جشنواره امسال، فریال بهزاد با فیلم «دره شاپرکها»، تهیمنه میلانی با فیلم «دیگه چه خیره؟» و رخشان بنی‌اعتماد با فیلم «نوکس» هستند.

بزرگداشت پروین اعتصامی



گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۵۰ سال پس از درگذشت پروین اعتصامی به منظور تجلیل از این شاعره ایرانی، در ۲۵ آذرماه امسال، مجلس بزرگداشتی در این دانشگاه برگزار کرد.

دکتر سید محمود طباطبایی اردکانی، دبیر برنامه مجلس بزرگداشت پروین اعتصامی، درباره چگونگی شکل گرفتن این برنامه گفت: «شعر پروین، پخته و متین و دربردارنده نکات اخلاقی و تفکر فلسفی و عرفانی است که در عین